



۲۰۲۲/۰۵/۱۳



خلیل الله معروفی

"وجدان تاریخ" و "وجدان تاریخنگار"

درین روزها بحث روی "تاریخ و تاریخنگاری" چاق است و هرکس در زمینه به "اندازه دوغ خود پاغنده میزند!!!":
– یکی مضمون بی محتوا و بی سر و پای "عوام فریبان" را مینویسد و اصلاً هم نمیداند، که چه مینویسد و چه باید بنویسد – فقط میخواهد از "غبار بزرگ" دفاع نماید!!!

– دیگری سخنان "استاد عزیز نعیم" را نقد میکند و هدفش فقط و فقط دفاع از "میر غلام محمد غبار" است و تاریخش، که در دو جلد نوشته شده و عواطف و سلیقه و مشرب چپروانه و بلشویکی خود را بر شانه‌های تاریخ سوار کرده است و محرک دیگری از نوشتن "کتاب تاریخ" ندارد، جز گرفتن انتقام از "خاندان حکمران". بلی؛ هدف ناقد فقط و فقط دفاع از "غبار" است، نه دفاع از "حقایق"!!!

موقف و صداقت و "درجه وفاداری" ناقد سخنان "عزیز نعیم" نسبت به "مرحوم میر غلام محمد غبار"، وقتی هویدا میشود، که او هم در "پیشگفتار" مقاله مطول و کشاله‌دار خود، به مانند "مقتدای مغرورش" از کلمه گویا و سخنگوی "خاندان حکمران" سخن میگوید. تنها و تنها ذکر همین یک "نکته"، خواننده دراک و فهم را از مطالعه آن مقاله عریض و طویل باز میدارد!!!

– همین قسم ذواتی پیدا شده اند، که در پورتال محترم "افغان جرمن آنلاین" در مورد "تاریخ خاندان یحیی" و خود "اعلیحضرت نادرشاه" داد سخن داده و هدف دیگری از مقالات خود ندارند، غیر از دفاع "بی‌امان" از "اعلیحضرت امان الله خان غازی" و کوبیدن "بی‌امان" اعلیحضرت "نادرشاه غازی شهید"!!! اینان اصلاً نمیدانند و یا نمیخواهند بدانند، که نه "امان الله خان" فرشته بود و نه "نادرخان"، اهریمن. هر دو زعیم بزرگ افغانستان کارنامه خود را دارند؛ با همه نکات مثبت و منفی آن؛ با همه خوبیها و اشتباهاتی، که هر دو مرتکب شده اند. اگر اشتباهات "اعلیحضرت امان الله خان" را بشماریم، طوماری خواهد شد، که دور کمر افکار همه ما را خواهد پیچاند. تذکر دادن اشتباهات عظیم و غیر قابل اغماض "امان الله خان" در زمانه ما مگر حکم "شجره ممنوعه" ای را به خود گرفته است، که نباید دست "آدم" بدان برسد، ورنه از بهشتش بیرون خواهند انداخت!!!

اگر این "تاریخنگاران آماتور" و همچنان "ناقدان یکجانبه‌نگر"، وجدان خود را حاضر و ناظر میساختند، به چنین قضاوتهای یکطرفه نمیبرداختند. از طرف دیگر:

از طرف دیگر نمیدانم، که چه وجدانی باشد، که چار و نیم دهه؛ یعنی "چهل و پنج سال" لیل و نهار "پُرخون و پُر دهشت و وحشت و قتالی و کشتار" را کنار گذاشته و به سراغ زمامدارانی برود، که در تمام دوران زعامت خود، به اندازه رقم و تعداد انگشتان دو دست ما، به "قتل انسان" مبادرت نورزیده اند!!!؟؟؟

اگر نیک بنگریم و سر در گریبان حوادث بکنیم، هیچ گله ای نباید ازین نگارندگان بنمائیم، وقتی میبینیم، که در خود جوهر "تاریخنگاری"، کشتن "وجدان تاریخ" فرض ذمه شمرده میشود!!! خود "تاریخ" رشته ایست، که این همه "حقیقت‌بازی" و "نیرنگ‌آفرینی" را اجازه میدهد. از دید شخصی خود میتوانم گفت، که در جهان هیچ تاریخ‌صددرد متقن و مطمئن و قابل اعتماد و اعتبار وجود ندارد، جز "وجدان تاریخ"؛ و "وجدان تاریخ"، یعنی چه؟؟؟

من جداً بدین عقیده ام، که تمام وقایع و رویدادهای تاریخ - همان قسمی، که رخ داده اند و رخ میدهند و رخ خواهند داد - در آرشیفی به اندازه دوجهان بزرگ، ثبت میشوند و من این آرشیف "غیر مادی و ابسترکت" را، که هرگز در قید قلم انسان در نخواهد آمد، "وجدان تاریخ" مینامم.

بلی؛ من شخصاً بدین عقیده ام، که در "گارگاه خلقت"، باید "دستگاهی" وجود داشته باشد، که خوب و بد و زشت و زیبایی زمانه و روزگار را ذره به ذره ثبت بکند، بدون این، که ما "آدمیزادگان" از آن آگاه شویم و بویی ببریم و در این "ثبت و ضبط"، دستی و دسترسی داشته باشیم. من همین دستگاه را "وجدان تاریخ" مینامم.

گفتم، که در جهان هیچ کتاب صددرصد متقن و مطمئن تاریخ وجود ندارد، چون "رشته تاریخ" خود زمینه دستبازی و دستکاری و به اصطلاح شیرین عامیانه کابلی، "دست‌واشوری"، را مهیا و میسر میسازد؛ و بیشترین دستبازی و دستکاری و دست‌واشوری را در "تاریخ اسلام" میبینیم، که تا چه حدّ مخدوش و مغشوش و نامطمئن و آکنده با دروغ و پرده‌پوشی، نوشته شده است!!!

وقتی وقایع و حوادث تاریخی "اسلام و جهان اسلام" تا این حدّ بی اعتبار و نامطمئن است، دیگر نباید توقع داشته باشیم، که تواریخ دیگر ما، عاری و خالی و مبرا و بری از اشتباه باشند!!!

(خلیل الله معروفی - جرمنی - ۱۳ می ۲۰۲۲)



برای مطالب دیگر خلیل الله معروفی روی عکس کلیک کنید